



Sustainability in Consolidation: Understanding the Documentation Characteristics Regarding the Conservation Process; Case Study: Tehran Historic Gateway

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Saeed Mahmoodkelayeh*
Mohammad Gholamnejad
Yaser Jafari Morkani

How to cite this article

Mahmoodkelayeh S, Gholamnejad M, Jafari Y. Sustainability in Consolidation: Understanding the Documentation Characteristics Regarding the Conservation Process; Case Study: Tehran Historic Gateway. *Naqshejahan*. 2022 Jan 10; 11(4):117-133.

<https://doi.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.4.4.3>

1. M.Sc. in Architecture and Historic Building, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. M.Sc. in Architecture and Historic Building, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. PhD in Conservation & Restoration of Historic Building and Sites, Art University of Isfahan, Iran.

*Correspondence

Address: Hashemi Rafsanjani University, Imam Hassan Boulevard, Ashrafi Esfahani Highway, Tehran, Iran.

Email: saeedkelayeh@yahoo.com

Article History

Received: 22 Jun 2021
Accepted: 17 Jul 2021
ePublished: 10 Jan 2022

ABSTRACT

Aims: the Sardar of Bagh-e Mellī was the symbol of Tehran for many years. Its current state is the result of events, changes in Visions, and social, cultural, and political changes. This study focuses on the experience of Tehran Beautification Organization to reveal the quality of conservation in valuable monuments of Tehran.

Methods: the current study is a descriptive-analytic and explorative-field work study. It has tried to triangulate the results of to Make understandable with library studies and document analysis to offer hypothesis in terms of interpretation of hidden elements and features of the monument and provide a proper analysis of the changes and the reasons behind them.

Findings: studies show that the monument had four distinct periods of life, the effect of each can be seen as physical changes and interventions in it: 1- Formation as a symbol of power in the bureaucracy of the capital and the country; 2- The period of pause in urban development; 3- The era of ignorance and decline; 4- The rise of historical and symbolic values of the monument in the old Tehran.

Conclusion: The study answers the questions regarding the formation, changes, and second rise of a monument that was the symbol of Tehran in an era and is considered the face of old Tehran today. In these examinations it became clear how social and political changes affected the rise and focalization of a monument and consequently resulted in its decline. Thus, the value of the said monument in each era makes certain changes permissible or prohibited. Finally, the growing old of previous values and formation of new ones are studied and how this limit intervention in the monument more difficult compared to older taboos.

Keywords: Contemporary architecture, Architectural Archeology, Tehran Beautification Organization, Tehran Municipality, Value, Conservation, Sustainability

CITATION LINKS

- [1] Recognition of Urbanscape Identity Components in Iranian Islamic Cities - The case of Tehran. [2] Evaluation of the Effects of Religious Spaces ... [3] Identification of the Effective Factors on Socio-spatial Segregation; A Case Study of Fadak and Kerman Neighborhoods Located in District 8, Tehran. [4] Unstable Condition of Housing in Tehran ... [5] Developing the conceptual framework of value-based management in cultural and historical places; (Looking at the Islamic Culture). [6] Adaptive reuse of industrial heritage, A model ... [7] Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker... [8] Contemporary architecture of Iran. [9] Neoliberalization Process in Contemporary City ... [10] Analyzing the effect of railway as industrial heritage in Iran. Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va Shahrzazi. [11] Explaining and analyzing how to make smart cities in the context of the influencing components and key factors. [12] Assessing the Old Buildings Reclaimability ... [13] Significance of authenticity: learning from best practice of adaptive reuse in the industrial heritage of Iran. [14] Reconnection to Context: Place-based Contemporization and Reuse of Tehran Valuable Houses. [15] Explaining the Components of Contemporization and Quality Improvement of Emamzadeh Saleh's (AS) Adjacent Texture. [16] Formation and Features of Tehran Urban Parks during the Reign of First Pahlavi Period, Case Study: Tehran National Garden (Baq-EMelli). [17] Tailoring conservation agriculture ... [18] Thermal comfort prediction by applying ... [19] Girih for domes: analysis of three Iranian domes. [20] Biocomputational Architecture Based on Particle ... [21] Prioritizing for Healthy Urban Planning... [22] Influence of permeability ratio on wind-driven ... [23] Multi-objective optimization of building-integrated... [24] Designerly Approach to Energy Efficiency in High-Performance Architecture Theory. [25] Prevalence of sick building syndrome ... [26] Expected earthquake damage and repair costs ... [27] Historical Geography of Tehran. [28] Silence, Stillness and Motion in MashghSquare. [29] Iran during the Qajar dynasty. [30] Description of my life. [31] Architectural Dynamics in Pre-revolutionary ... [32] The Politics of Contextual Specificity and Global Architectural Trends. Myth, Nature, Heritage. [33] Cabinet of Ministers of the Government of the Islamic ... [34] Sardar E Bagh E Mellī. Tehran: Iran cultural studies Press. [35] The restoration of the Doors of Sardar E Bagh E Mellī. [36] Monuments of Architecture; 18th - The First Third of The 19th Century. [37] Introduction to Islamic architecture in Iran. [38] A Visual Dictionary of Architecture. [39] The Art of Reading Building. [40] Conservation of Historic Buildings.

پایداری در استحکام بخشی: بازخوانی نحوه

مستندسازی تحولات کالبدی بر اساس

ویژگی‌های معماری حین مرمت؛ نمونه:

سردر باغ ملی تهران

سعید محمود کلابه^{۱*}، محمد غلام‌نژاد^۲، یاسر جعفری مورکانی^۳

۱. کارشناس ارشد حفاظت و مرمت ابنیه تاریخی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۲. کارشناسی ارشد حفاظت و مرمت ابنیه تاریخی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دکترای حفاظت و مرمت ابنیه تاریخی - دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

اهداف: بنای سردر باغ ملی تهران که طی دهه‌های طولانی، عنوان نماد شهر تهران را یدک می‌کشیده است، وضعیت کنونی خود را محصولی از رویدادها، تغییر نگرش‌ها، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌بیند. بسیاری از این تغییرات زیر لایه‌های تاریخی کالبدی بنا مدفون شده‌اند که در این مطالعات، با استناد به تجربه سازمان زیباسازی شهر تهران و شهرداری تهران، به خواناسازی اثر پرداخته می‌شود.

روش‌ها: مطالعه حاضر از جنس توصیفی-تحلیلی و میدانی - اکتشافی است، به این ترتیب که تلاش شده است تا یافته‌های حین خواناسازی و گمانه‌زنی برای قرائت عناصر و ویژگی‌های نامشهود اثر را با مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی همراه ساخته و تحلیل مناسبی از تحولات و عوامل تأثیرگذار بر این تحولات را ارائه دهد.

یافته‌ها: بررسی‌های صورت گرفته حاکی از چهار دوره متمایز حیات برای اثر مذکور است: ۱- مرحله اول، دوره شکل‌گیری به‌عنوان شاخص قدرت جدید اداره پایتخت با تمرکز بر جنبه یادمانی؛ ۲- مرحله دوم، دوره توفیق جریان توسعه و نوسازی شهر بر این اثر نمادین؛ ۳- مرحله سوم، دوره فراموشی و افول؛ ۴- مرحله چهارم، دوران شکوفایی مجدد و بازتعریف ارزش‌های تاریخی و نمادین.

نتیجه‌گیری: مطالعات حاضر بدنبال پاسخ ابهامات پیرامون روند شکل‌گیری، تحولات و شکوفایی مجدد اثری یادمانی است که در دوره‌ای نماد تهران جدید بوده است و امروزه به‌عنوان نماد تهران قدیم شناخته می‌شود. در این بررسی‌ها نحوه خلق یک اثر و تبدیل آن به کانون توجهات و نهایتاً افول آن بر اثر تحولات اجتماعی و سیاسی مشخص می‌شود.

کلمات کلیدی: معماری معاصر، باستان‌شناسی معماری، سازمان زیباسازی شهر تهران، شهرداری تهران، ارزش، حفاظت، پایداری

مقدمه

«باغ ملی تهران» مجموعه‌ای بسیار ارزشمند در قلب تاریخی تهران است. فرح حبیب، ایرج اعتصام و سیدهادی قدوسی فر تاکید می‌کنند «باغ ملی تهران» که از آن به عنوان نخستین پارک عمومی شهری در ایران یاد می‌گردد، [۱، ۱۵] اگر چه دارای عمر بسیار کوتاهی در ابتدای قرن حاضر بوده است، ولی اهمیت بسیار زیادی در فضای شهری تهران به عنوان اولین پارک شهری داشته است. [۱۶]

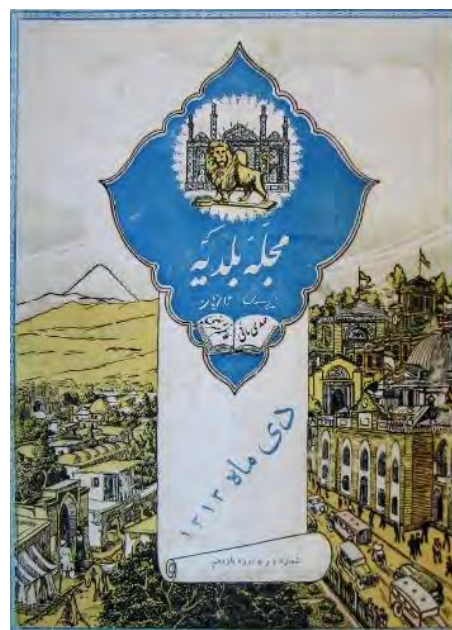
سردر باغ ملی یکی از آخرین بناهای باشکوه به‌جای مانده از دوره قاجار در شهر تهران است که به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی منحصر به فرد مورد توجه بسیار قرار دارد. این بنا از نخستین بناهایی است که توسط پهلوی اول پهلوی در شهر تهران احداث می‌شود. وی این بنا را در دوران سردار سپهری خود و در محل ورودی جنوبی میدان مشق که در واقع از مهم‌ترین مراکز نیروهای نظامی در اواخر دوره قاجار محسوب می‌شد بنا می‌کند. در حال حاضر این دروازه به همراه بقایای دروازه نو یا دروازه محمدیه تنها دروازه‌های به جای مانده از تهران قدیم محسوب می‌شوند.

سردر ورودی باغ ملی فارغ از اهمیت تاریخی و رویدادهای وابسته به آن، به لحاظ جنبه‌های معماری و نمادین نیز اهمیت فراوانی دارد. این بنا که به‌نوعی عنوان طاق نصرت رضاخان پس از فتح تهران را یدک می‌کشد، به لحاظ سبک معماری نیم‌نگاهی به دروازه‌های کهن تهران داشته و در عین حال مصادیق معماری نوکلاسیک روسی و فرانسوی را نیز در خود می‌بیند. این اثر به بخشی از نمادهای تمدن جدید و نوگرایی در شهر تهران بدل شد و به همراه ابنیه‌ای چون ساختمان تلگراف‌خانه و بلدیة، معرف شکل‌گیری پایتخت نوگرایی بودند که دیگر خندق و بارو، ابنیه خشت و گلی و کوچه‌های خاکی تهران قدیم را برنمی‌تافت (شکل ۱).

مطالعه حاضر از جنس توصیفی-تحلیلی و میدانی-اکتشافی است که عمده داده‌های آن در حین مرمت جامع اثر تهیه و گردآوری شد. در خصوص منابع و داده‌های موجود، تنها گزارش درخور توجه پرونده ثبتی اثر بود که به تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۲ با شماره ثبت ۱۹۶۸ توسط سازمان میراث فرهنگی تهیه شده است و تنها کتاب مختص سردر باغ ملی نیز توسط دکتر اسکندر مختاری طالقانی و سمیرا بهروز به طبع رسیده است. سایر منابع به این اثر به‌عنوان بخشی از میدان مشق و دروازه آن نگریسته‌اند و در نهایت در هیچ‌کدام این نوشتارها، تحولات کالبدی اثر به تفصیل بررسی نشده است. بر این اساس، بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارندگان، در گام نخست بر مستندنگاری جامع اثر متمرکز شد و بدین منظور علاوه بر عکاسی حرفه‌ای در ترازهای ارتفاعی و زوایای مختلف، عملیات اسکن با لیزر نیز صورت پذیرفت و نهایتاً فتوگرامتری نیز برای تهیه تصاویر تخت به خدمت گرفته شد. مجموع این بررسی‌ها نشانگر عدم توازن در پلان طبقات، وجود ناهماهنگی در کاشی‌کاری‌های مجموعه و بسیاری موارد دیگر شد که همگی در مطالعات حاضر مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

در گام بعدی، به مراکز اسناد که احتمالاً سندی در راستای شناخت این تحولات داشتند نظیر مرکز اسناد کتابخانه مجلس، کتابخانه ملی، آرشیو روزنامه اطلاعات، مرکز مطالعات تاریخ معاصر، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و بسیاری دیگر مراجعه و همه مستندات موجود مرتبط با اثر گردآوری شدند. برخی از این عکس‌ها و اسناد که در مطالعات طرح مرمت اثر استفاده شدند، برای بار نخست به چاپ رسیده و حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی بودند.

اما مهم‌ترین منبع اطلاعاتی در خصوص بنا، جزئیات پنهان بنا به زیر لایه‌های اندود یا الحاقات بودند که در حین گمانه‌زنی‌های مرمتی آشکار شدند و اشاره به دوره‌بندی‌های مختلف بنا داشتند. وجود درزهای انقطاع در محل برخی دیوارها یا اندود نهایی در برخی مواضع مسدود، حاکی از آن بودند که حتی در مرحله اولیه ساخت نیز تغییراتی در نقشه‌ها و جزئیات اجرایی بنا صورت گرفته است و بسیاری از



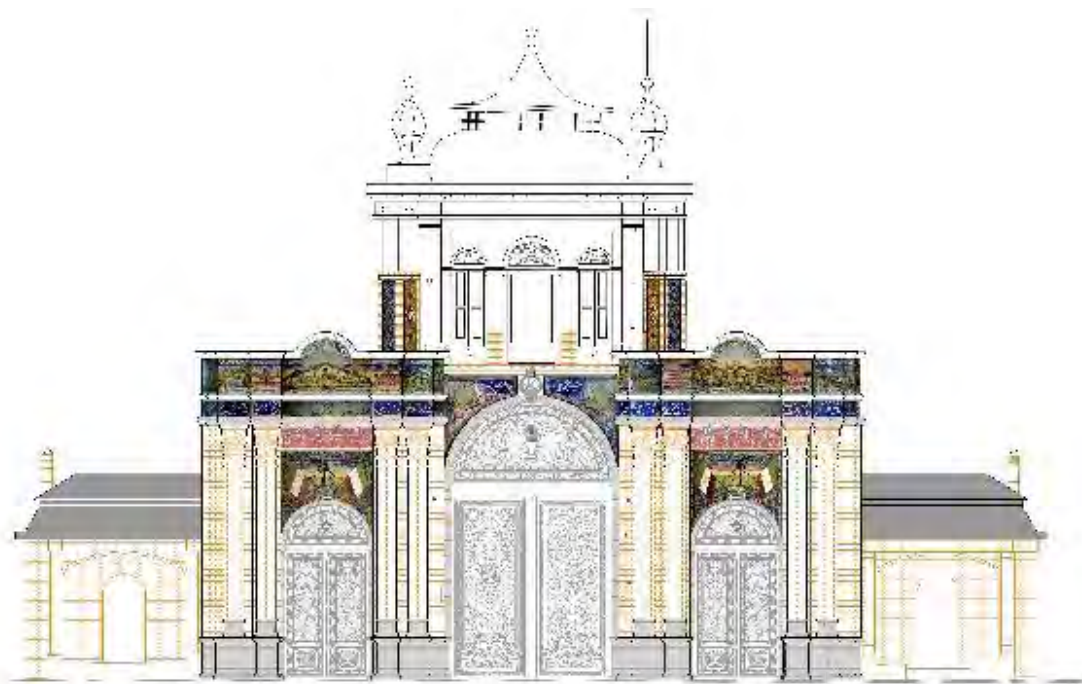
شکل ۱- طرح جلد مجله بلدیة سال ۱۳۱۳ خورشیدی که دریکسو مصادیق نوگرایی و در سویی جلوه‌های زیست سستی را در تقابل با هم به شکل کشیده است؛ ماخذ: آرشیو نگارنده

مواد و روش‌ها

از نظر روش شناختی، مطالعات حاضر به دنبال پرداختن به جنبه‌های ماهوی این اثر نیست و بر تغییرات و تحولات اثر مذکور متمرکز شده است. موضوعی که صرفاً حین مواجهه بسیار نزدیک با بنا و انجام برخی بررسی‌های باستان‌شناسانه در کالبد معماری و تحلیل نتایج حاصل از آن در کنار قرائت جامع تزئینات بنا میسر می‌شود. پرسش‌های اولیه در خصوص چگونگی تغییرات ساختاری، کالبدی و تزئینات بنا حین مستندسازی جامع بنا مطرح می‌شوند، مخصوصاً زمانی که نقصان کتیبه‌ها، افتراق مصالح و شواهدی از مداخلات ادواری نشان‌دهنده چرخش نظر سازندگان در حین ساخت و تطبیق بنا با جریان توسعه ابنیه مجاور هستند. در این پژوهش، با استناد به مدارک به‌دست‌آمده در جریان مرمت جامع بنا طی سال‌های ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۶ که توسط موسسه پژوهشی فرهنگ و هنر دانشگاه تهران زیر نظر سازمان زیباسازی شهر تهران صورت گرفت، قصد پاسخگویی به این پرسش‌های مطرح‌شده را داریم.

از نظر روش شناختی، مطالعه تاریخی، اهمیت بالایی دارد.

[۲۰-۲۶]



شکل ۲. نمای کوشک میانی عمارت ارباب هرمز

و عباس میرزا برای مقابله با ارتش روسیه دست به دامان فرانسه شدند و دولت فرانسه ژنرال گاردان را همراه با هیئتی برای تقویت نظام ایران به تهران فرستاد و ایشان برای تربیت پیاده‌نظام زمینی به ابعاد تقریبی ۴۳۰ قدم در ۵۴۰ قدم (در حدود ۲۵ هکتار) در خارج از شهر و در کنار خندق شمالی را برای این منظور اختصاص دادند. [۲۸]. در نقشه شهر تهران اگوست کرشیش (ترسیم بین سال‌های ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ قمری)، میدان مشق به شکل میدانی مستطیلی شکل و محصور نمایش داده شده است. در سال ۱۲۷۸ هجری قمری مشق توسط میرزا محمدخان سپه‌سالار وزیر جنگ تجدید بنا شده و توسعه می‌یابد. با شکل‌گیری نیروی موسوم به «بریگاد قزاق» در سال ۱۲۹۶ قمری و احداث عمارت قزاقخانه در قسمتی از میدان مشق، این میدان تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز نظامی پایتخت و مقر اصلی نیروهای قزاق بدل می‌شود. [۲۸]. در این زمان در این میدان سردری با نام سردر ناصری نیز در گوشه جنوب شرقی وجود داشته است. در دوره سردار سپه‌ی رضاخان، میدان مشق بر اساس یک طرح ساماندهی عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد و سردر جدیدی برای میدان

تغییرات نیز در جریان مسائلی چون تبدیل باغ ملی به محوطه‌ای اداری و احداث ابنیه مجاور رخ داده‌اند. برخی دیگر از تغییرات نیز ناشی از کاربری بنا و تحولات آن بوده است و نهایتاً شماری از تغییرات فاقد هرگونه توجیه و نهایتاً در اثر بی‌توجهی به ارزش‌های اثر و مواجهه با آن به‌عنوان یک بنای معمولی رخ داده است.

یافته‌ها

حاصل مطالعات صورت گرفته را می‌توان در چهارچوب‌هایی چون شکل‌گیری اثر از منظر تاریخی و عوامل تأثیرگذار بر فرم و عملکرد، دوره‌های تاریخی تغییرات اثر و به‌تبع داده‌های استخراج‌شده از عناصر کالبدی و تزئینی اثر و گمانه‌زنی‌های صورت گرفته در آن دسته‌بندی نمود.

احداث سردر میدان مشق - باغ ملی

از ابتدا تا میانه سلطنت قاجار، میدان توپخانه به‌عنوان میدان مشق و اسب‌دوانی استفاده می‌شد. [۲۷] با آغاز جنگ اول میان ایران و روسیه در حدود سال ۱۲۲۲ قمری، فتحعلی‌شاه

تاریخ ۱۳۴۱ قمری یا ۱۳۰۱ خورشیدی حک شده است. در کتیبه کاشی‌کاری بنا، تاریخ ۱۳۴۰ قمری در انتهای مصراع آخر شعر ندیم الملک نوشته شده است، این در حالی است که ماده تاریخ بنا در این مصراع به حساب حروف جمل (ابجد) برابر با تاریخ ۱۳۴۱ قمری می‌شود. از این رو با توجه به شواهد موجود، می‌توان سال ۱۳۴۱ قمری را به‌عنوان تاریخ ساخت دروازه‌های فلزی و اتمام بنا در نظر گرفت. لازم به ذکر است که مرحوم عین‌السلطنه در ذیل خاطرات جمادی‌الاولی سال ۱۳۴۱ قمری (دی‌ماه ۱۳۰۱ شمسی) به بازدید از سردر جدید الاحداث میدان مشق اشاره نموده است؛ [۳۲]. به این ترتیب می‌توان تاریخ ۱۳۰۱ شمسی را به‌عنوان تاریخ اتمام ساخت این بنا در نظر گرفت.



شکل ۴. نمایی از گمانه S1 در محل پلکان شرقی که اتمام نما در کادر سمت راست مشهود است.

تغییرات احتمالی حین ساخت بنا (۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ ش)

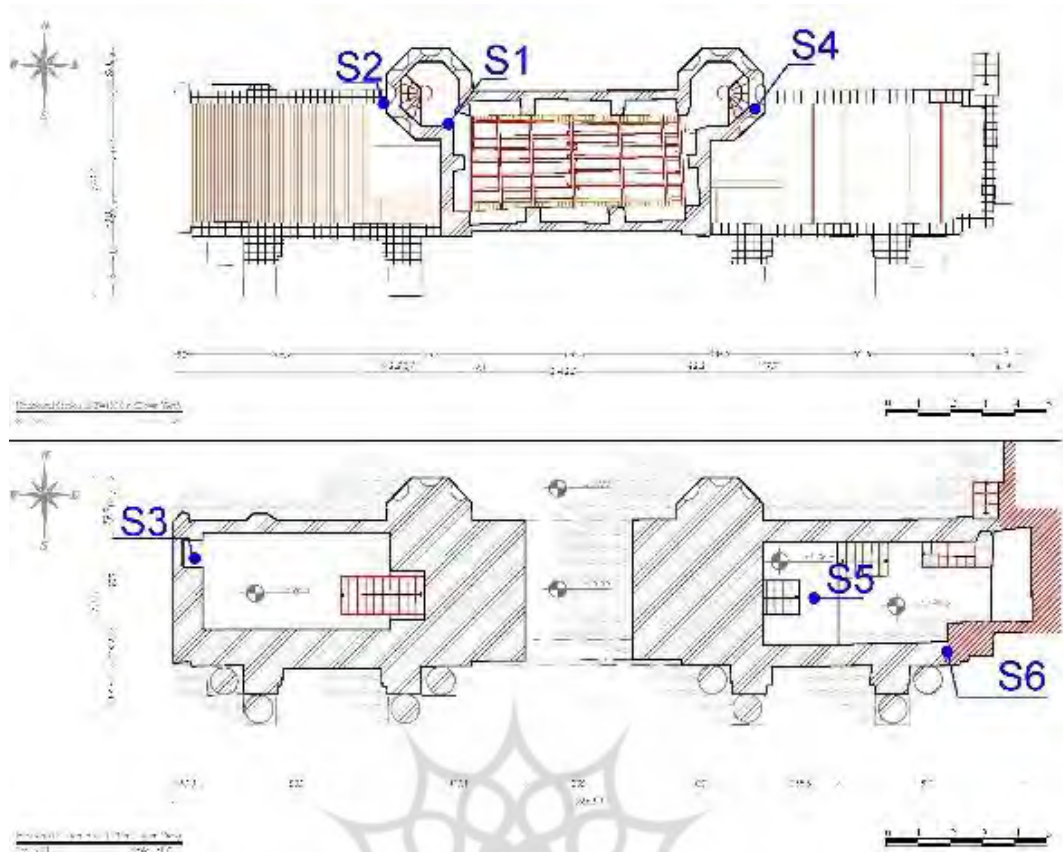
بر اساس گمانه‌زنی‌های صورت گرفته در حین مرمت بنا در سال ۱۳۹۴ شمسی، شواهدی از برخی تغییرات احتمالی در طرح کلی بنا در زمان احداث آن به دست آمد. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که احتمالاً بخش‌هایی از اشکوب فوقانی بنا از جمله اتاق نقاره‌خانه و بخش‌های فوقانی نماها در طرح اولیه وجود نداشته و در زمان اجرا بدان افزوده شده‌اند. همچنین با توجه به اینکه نمای برج تنها تا ارتفاع حدود ۲ متری دارای بندکشی است می‌توان این گونه پنداشت که احتمالاً در طرح اولیه ارتفاع برج‌های مذکور نیز کمتر از وضعیت کنونی آن‌ها احتمالاً هم‌ارتفاع با برج‌های قزاقخانه بوده است. به نظر می‌رسد که در این زمان ضخامت دیوارهای

مشق برپا می‌شود؛ رضاخان در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش. از میدان مشق و قزاقخانه به‌عنوان یکی از مراکز اصلی هدایت عملیات کودتا استفاده کرد. [۲۹]. پس از پیروزی کودتا، رضاخان دستور به تخریب سردر ناصری و احداث بنای جدیدی به نام «سردر میدان مشق» داد که به‌رسم آن زمان دارای نقاره‌خانه نیز بود. رضاخان با انتقال نقاره‌خانه به سردر میدان مشق درصدد انتقال مرکزیت قدرت از ارگ حکومتی به میدان مشق بوده است [۳۰].

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، متصدیان بلدیة اقدام به احداث یک پارک شهری در محل میدان مشق می‌نمایند و مطابق ادبیات روز، آن را «باغ ملی» نام‌گذاری می‌کنند. بدین ترتیب، میدان مشق به باغ ملی تغییر نام یافته و به تبع سردر آن نیز به سردر باغ ملی تغییر نام یافت با گذشت مدت کمی از اقدام بلدیة برای ساخت پارک عمومی، فضای باز محوطه میدان مشق سابق به مقصد جذابی برای احداث ساختمان‌های اداری به شکل متمرکز بدل شد. ساختمان شرکت نفت ایران و انگلیس (۱۳۰۷ ش)، ساختمان اداره پست بلدیة (۱۳۱۲ ش)؛ موسسه شیر و خورشید (۱۳۱۲ ش)؛ دواخانه شبانه سپه که در (۱۳۱۲ ش)؛ اداره ثبت اسناد و املاک کشور (۱۳۱۴ ش)؛ هنرستان بانوان (۱۳۱۴ ش)؛ بانک پهلوی؛ موزه ایران باستان (۱۳۱۶ ش)؛ کتابخانه ملی؛ عمارت نظمیة (۱۳۱۶ ش)؛ باشگاه افسران (۱۳۱۶ ش)، عمارت اداره تشکیلات نظمیة کل مملکتی و ساختمان توقیف‌گاه قضائیه (۱۳۱۶ ش)؛ کاخ وزارت امور خارجه (۱۳۱۸ ش)؛ موزه دوران اسلامی؛ و موزه ملک (۱۳۷۵ ش). [۳۱]. مجموعه بناهایی بودند که طی این سال‌ها به مجموعه افزوده شد.

تاریخ‌گذاری

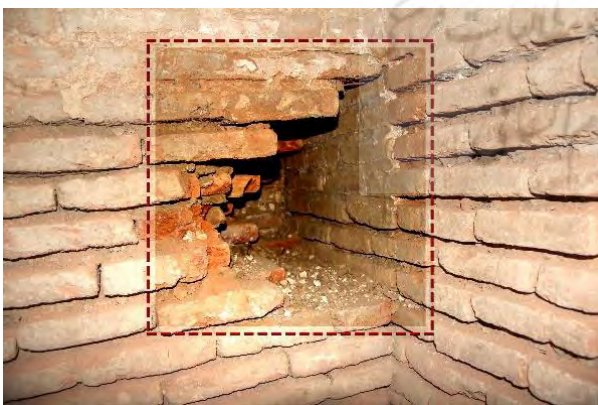
در خصوص تعیین تاریخ دقیق احداث بنا مناقشاتی وجود دارد که حدود آن را بین سال‌های ۱۲۹۹ لغایت ۱۳۰۴ متغیر می‌دانند؛ اما کتیبه‌های موجود در بنا مدارک متقنی محسوب می‌شوند. روی کلید تاق بزرگ نمای جنوبی و کتیبه کاشی‌کاری شمال شرقی بنا تاریخ ۱۳۴۰ قمری معادل ۱۳۰۰ خورشیدی به چشم می‌خورد و روی دروازه بزرگ فلزی نیز



شکل ۱ - جانمایی گمانه‌زنی‌های صورت گرفته به منظور قرائت سیر تحولات کابلدی بنا

این‌گونه پنداشت که احتمالاً در طرح اولیه ارتفاع برج‌های مذکور کمتر (شاید هم ارتفاع با برج‌های احتمالاً قراقخانه) از وضعیت کنونی آن‌ها بوده است.

اتاق‌های جانبی به‌خصوص جنوبی، نیز به‌منظور افزایش باربری دیوارها برای نگهداشتن پوشش شیروانی افزایش یافته است.



شکل ۵. شکل گمانه S2 در محل اتصال برج شرقی به دیوار شمالی اتاق که امتداد نما در زیر دیوار مشهود است.

گمانه S1 بر اساس این گمانه که در سطح دیوارهای مجاور ورودی پلکان برج غربی (واقع در اتاق میانی) ایجاد شد، مشخص شد که سطح دیوارهای آجری برج در اتاق میانی تا ارتفاع حدود ۲ متر به‌صورت نمای بندکشی شده بوده و فتیه‌های آجری قسمت‌های تحتانی آن کاملاً در امتداد نمای خارجی قرار داشته است. سطوح برج کاملاً مجزا از دیوارهای اتاق میانی است و ظاهراً معمار با تخریب و بیرون کشیدن تعدادی از آجرهای نمای برج‌ها (چند رج یک‌بار) و ایجاد هشت و گیر، اتصال لازم را ایجاد کرده است. موارد ذکرشده می‌تواند دال بر وجود اختلاف‌زمان در احداث برج‌ها و اتاق میانی (نقاره‌خانه) باشد، هرچند با توجه به اینکه نمای برج تنها تا ارتفاع حدود ۲ متری دارای نمای آجری است می‌توان

زیر اندود یا جرز امتداد یافته مدفون شدند که طی گمانه‌زنی‌ها و خواناسازی صورت گرفته در سال ۱۳۹۶ مجدداً آشکار شدند.

گمانه S3؛ این گمانه باهدف مشخص ساختن وضعیت پلکان غربی بنا ایجاد شد و برای این منظور در کف قسمت انتهایی اتاق غربی و محلی که احتمال وجود این پلکان در آن وجود داشت عملیات خاک‌برداری صورت گرفت. خوشبختانه با برداشتن حدود ۱۵ سانتی‌متر از کف این قسمت که برخلاف سایر قسمت‌ها فاقد آجرفرش بود آثار پلکان نمایان شد. در ادامه خاک‌برداری تعداد ۵ پله آجری مشابه با پله‌های جبهه شرقی از زیر خاک خارج شد. لازم به ذکر است که پلکان مذکور در زمان احداث ساختمان شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۳۰۷ خورشیدی تخریب شده و محل ورودی آن با یک دیوار آجری مسدود شده بود؛ علاوه بر این در حین لایه‌برداری و حذف اندود گچ شواهدی از فضای داخلی اتاق‌ها به دست آمد که تا حدودی به روشن‌تر شدن موضوع کمک کرد. با برداشتن اندود گچ دیوارهای مجاور پنجره‌های ضلع جنوبی اتاق میانی مشخص شد که این دیوارها در ابتدا از ضخامت و ارتفاع کمتری برخوردار بوده‌اند.



شکل ۶. بخشی از کتیبه مدفون بنا که زمانی تا انتهای دیوار مقابل امتداد داشته است و اکنون متأثر از تغییرات دوره دوم تخریب شده و بخش‌های باقی‌مانده نیز زیر اندود مدفون شده‌اند.

گمانه S2؛ بر اساس این گمانه که باهدف آگاهی از ارتفاع اولیه نمای بنا در قسمتی از دیوار شمالی اتاق غربی (مماس با برج غربی) ایجاد شده است، مشخص شد که دیوار برج تا ارتفاع حدود ۱۵۰ سانتی‌متری از کف (هم‌تراز با نوار آجری بالای لچکی کاشی‌کاری شده) دارای نمای بندکشی شده است و این مسئله می‌تواند به معنای الحاقی بودن بخش‌های فوقانی نمای بنا باشد؛ علاوه بر این، در این اتاق شواهدی از الحاق دیوارهای داخلی نیز وجود دارد؛ ظاهراً این دیوارهای آجری پس از تغییر طرح بنا و به‌منظور اجرای پوشش برای اتاق‌های جانبی روی دیواره‌ی کوتاهی (از آجر شکسته و ملات گل) به ارتفاع حدود ۵۰ سانتی‌متر اجرا شده‌اند. ضخامت دیوارهای الحاقی جدید حدود ۴۰ سانتی‌متر (دو آجر) به نظر می‌رسد.

تغییرات بین سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ خورشیدی

چنانچه پیش‌تر اشاره شد، در این زمان و هم‌زمان با احداث دو بنای مجاور (ساختمان‌های شرکت نفت ایران و انگلستان و اداره پست)، تغییراتی در ساختمان سردر ایجاد می‌شود که از آن جمله می‌توان به تخریب اتاق‌های نگهبانی قراول خانه، دو طرف بنا و دیوار فوقانی نمای شرقی آن در سال ۱۳۰۷ شمسی اشاره کرد. تخریب این اتاق‌ها که در واقع ورودی به بخش‌های فوقانی بنا محسوب می‌شدند، مستلزم ایجاد تغییراتی در نحوه دسترسی به بنا بود. برای این منظور دیوار غربی اشکوب فوقانی تخریب و دیوارهایی به طول حدود یک متر در حفاصل دو بنا کشیده شد. همچنین یک ورودی جدید در دیوار شرقی متعلق به ساختمان پست، ایجاد شد تا امکان دسترسی از این بنا نیز وجود داشته باشد؛ علاوه بر این برای تأمین نور این بخش از بنا، یک پنجره چوبی مستطیلی شکل در نمای شمالی تعبیه شد. هم‌زمان پلکان غربی نیز کاملاً حذف شد و تنها بخش باقی‌مانده از این پلکان در منتهی‌الیه کف اتاق غربی نیز با خاک پر شده و سطح آن با اندود گل و گچ پوشانده شد. همچنین کتیبه‌های فوقانی که زمانی گرداگرد بنا می‌چرخیدند، طی این دوره در میانه تخریب شده و بخش‌هایی که در محل چرخش جرز بودند،

تغییرات دهه ۳۰ شمسی

با توجه به شیب نسبتاً تند پلکان بنا در طرح اولیه، در این زمان تغییراتی جهت تسهیل دسترسی در پلکان شرقی صورت می‌گیرد. برای این منظور دو رشته پلکان کوتاه‌تر از جنس موزاییک درجا، به همراه پاگرد روی پلکان آجری بلند اتاق شرقی احداث می‌شود. برای این پله‌ها نرده‌های فلزی نیز نصب شده و روی آجر فرش اتاق‌ها با استفاده از موزاییک سیمانی پوشیده می‌شود. از دیگر مداخلات صورت گرفته در این زمان تغییر ارتفاع پوشش خرپایی اتاق شرقی است که ظاهراً با هدف جلوگیری از سرگیر شدن سقف پلکان تغییر شکل یافته صورت گرفت. در نتیجه این مداخلات ورق فلزی شیروانی تا ارتفاع حدود ۸۰ سانتی‌متری بالاتر از لبه بام آورده شده و به این ترتیب کیفیت منظری بنا تا حدود زیادی خدشه‌دار شد. ظاهراً ورودی بام اتاق غربی نیز در این دوره ایجاد می‌شود. بام اتاق غربی فاقد ورودی بوده و گویا دسترسی به آن از طریق پله‌های فلزی تعبیه شده در دیوار ساختمان پست صورت می‌گرفته است.



شکل ۷. راه‌پله اصیل بنا که پس از گمانه زنی وجود و سلامت آن تایید شد و بدین طریق نسبت به احیای آن اقدام شد.

از تغییرات صورت گرفته در این دوره می‌توان به ایجاد تغییراتی در پنجره‌های اتاق میانی از جمله انداختن شیشه برای پنجره‌ها و نصب قاب تونیک در قسمت تحتانی پنجره بزرگ میانی اشاره کرد؛ علاوه بر این، در این دوره گویا علاوه بر تجدید اندود گچ روی سطوح داخلی بنا، سقف اتاق میانی نیز که ظاهراً در ابتدا دارای لمبه‌کوبی‌های چوبی بوده با گچ پوشانده می‌شود. متأسفانه هیچ نمونه‌ای از قطعات این لمبه‌کوبی‌ها یا شکلی از آن‌ها در دست نیست، باین‌حال آثاری از محل نصب آلات چوبی روی چارچوب سقف اتاق وجود دارد که از روی آن می‌توان به الگوی احتمالی تزئینات چوبی پی برد. احتمالاً در این دوره یا مدتی پس‌از آن، سر تیرهای چوبی بیرون زده از نمای جنوبی (چوب‌بست‌ها) نیز بریده شده و رنگ پنجره‌های چوبی به رنگ طوسی درمی‌آید. همچنین گویا در این دوره تغییراتی در پنجره نورگیر کلاه‌فرنگی نیز صورت گرفته و تعداد زیادی از قواره بری‌های آن حذف می‌شود. ظاهراً در همین دوره اقدامات نامناسبی به‌منظور مرمت برخی از کاشی‌ها صورت می‌گیرد، به‌نحوی که تعدادی از کاشی‌ها به‌صورت جابه‌جا نصب شده و کاشی‌های دیگری متعلق به بنایی نامعلوم در محل برخی از کاشی‌های مفقود شده نصب می‌شود. نقل است شماری از کاشی‌های به‌کاررفته در بنا متعلق به سردر ناصری است که نظر به فاصله زمانی مداخلات دهه ۳۰ با زمان احداث بنا و تخریب سردر اسبق، این نظریه مردود بوده و ممکن است کاشی‌ها متعلق به ابنیه مجاور اثر باشد که در همان دوران دستخوش تخریب شده‌اند. به نظر می‌رسد که از این دوره کف خیابان ملل متحد به‌تدریج بالاتر آمده و در نهایت درهای آهنی بنای سردر در لایه‌های آسفالت خیابان مدفون می‌شوند.

آن دوران اقدام به تخریب برخی از حجاری‌های سنگی بنا (تاج شاهنشاهی و شیر و خورشیدهای کلید تاق‌ها) و همچنین مجسمه نیم‌تنه پهلوی اول نمودند. نقل است که این مجسمه در یکی از باغچه‌های حیاط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور واقع در جبهه مقابل بنا دفن شده است که در حال حاضر سندی در این خصوص در دست نیست. لازم به ذکر است که بنا بر عکس‌های گرفته‌شده توسط خبرنگار روزنامه اطلاعات، این مجسمه در همان روز تکه‌تکه شده و پایین کشیده می‌شود.

خوشبختانه با دخالت برخی از مدیران وقت حوزه میراث فرهنگی از تخریب بیشتر بنا جلوگیری شد و اقدامات حفاظتی برای پوشاندن کاشی‌های منقش به نشانه‌های مرتبط با نظام شاهنشاهی (نظیر شیر و خورشید) و کتیبه‌هایی که به نام رضاخان اشاره داشتند با ترکیبی از مواد رنگی معدنی (بتونه) صورت گرفت؛ علاوه بر این بخش‌هایی از در فلزی که روی آن به نام رضاخان سردار سپه اشاره شده بود با استفاده از ورق‌های آهنی پوشانده شد. در سال‌های بعد اقدامات محدودی نظیر اجرای مجدد اندود گچی در فضاهای داخلی و اعمال تغییراتی نظیر نصب نشان جمهوری اسلامی در وسط خورشیدی میانی، اجرای مجدد همراه با تغییر الگوی قواره بری‌های پنجره‌ها، تعویض شیشه‌های رنگی با شیشه‌های معمولی، افزودن وادارهای صلیبی شکل در وسط قسمت شیشه‌خور پنجره‌های بزرگ میانی چوبی و رنگ‌آمیزی پنجره‌ها صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد که در چوبی ورودی بنا نیز در همین دوره تعویض شده و به‌جای آن یک در ساده فلزی نصب شده باشد. در این دوره اقداماتی نیز برای مرمت برخی از کاشی‌های آسیب‌دیده صورت می‌گیرد که متأسفانه مرمت‌های انجام‌شده از دقت و کیفیت لازم برخوردار نبوده است. «بررسی کاشی‌ها از نزدیک نشان می‌دهد که این بخش از تزئینات پس از الصاق به بنا در دو دوره تعمیر شده و برخی از نقش‌ها تغییر یافته است.» [۳۴]



شکل ۸. تخریب مجسمه نیم‌تنه پهلوی اول در هنگام وقوع انقلاب اسلامی ایران

اقدامات حفاظتی اواخر دهه ۵۰

هیئت‌وزیران دولت جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۵۹.۵.۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۲۶.۱۸۳۸ - ۲۳.۱۲۰ مورخ ۵۹.۵.۱۵ وزارت امور خارجه تصویب نمودند که مبلغ دو میلیون و پانصد هزار (۲.۵۰۰.۰۰۰) ریال از محل اعتبار دولت ردیف ۵۰۱۰۰۱ بودجه سال ۱۳۵۹ تأمین و به‌منظور ترمیم دروازه قدیمی واقع در ضلع جنوبی باغ ملی در اختیار سازمان حفاظت آثار باستانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گیرد.» [۳۳]. متأسفانه گزارشی از مداخلات صورت گرفته در این دوره در دست نیست. آنچه از شواهد موجود قابل تشخیص است در این دوره مجموعه اقداماتی به‌منظور نجات بخشی بنا از هیجانات ناشی از وقوع انقلاب اسلامی صورت گرفته است؛ لازم به ذکر است که جمعی از انقلابیون (احتمالاً در روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷) تحت تأثیر فضای خاص



شکل ۱۰. نمای اندازه‌گذاری شده از سردر باغ

و جوش کاربیت، زدودن زنگار و رنگ‌های فرسوده الحاقی با روش‌های مکانیکی اشاره کرد. به این ترتیب بخش‌های تحتانی درهای فلزی که سال‌ها در آسفالت خیابان مدفون بودند بیرون آورده شده و امکان باز و بسته شدن مجدد درها را فراهم کرد. [۳۵]. متأسفانه این اقدامات در مواردی با اشتباهات فنی نظیر بهره‌گیری از روش‌های ساینده برای پاک‌سازی و استفاده از فلز برنج برای ریخته‌گری قطعات برنزی مفقودشده همراه بود. شواهد کالبدی و نقل‌قول‌های شفاهی حاکی از انجام اقدامات دیگری در این دوره است که از آن جمله می‌توان به پوشاندن سطوح دیوارهای اتاق نقاره‌خانه و بخشی از اتاق شرقی (در برخی قسمت‌ها تا ارتفاع حدود ۲ متر) با تخته‌هایی از جنس نئوپان اشاره کرد که ظاهراً به منظور ایجاد فضای لازم برای برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای انجام شده است. پس‌از این شهرداری منطقه ۱۲ تهران در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ اقدام به نورپردازی، شست‌وشوی آجرکاری‌ها، مرمت موضعی شیروانی‌ها، اجرای اندود گچ و رنگ‌آمیزی فضاهای داخلی نمود.



شکل ۹. کاشی‌مقوش به شیر و خورشید در محل کتیبه‌های سردر باغ ملی که در دوره انقلاب برای ممانعت از تخریب با رنگ پوشانده شده بودند و هنگام مرمت‌های سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ از زیر پوسته محافظ خارج شدند.

اقدامات مرمتی سال ۱۳۷۶ شمسی

دو سال پس از ثبت بنا در فهرست آثار ملی کشور، دفتر فنی سازمان حفاظت آثار باستانی تهران درصدد مرمت ساختمان سردر باغ برمی‌آید. متأسفانه از اقدامات صورت گرفته در این زمان نیز گزارش جامعی در دست نیست و ظاهراً تنها منبع موجود گزارشی است که توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی در مورد مرمت دروازه‌های فلزی به چاپ رسیده است. پاک‌سازی سطوح نما [با استفاده از روش مخرب سندبلاست]، انجام عملیات دفع رطوبت پایه‌ها (کانال ناکش و چاه جذبی)، حذف لایه‌های آسفالت کف بالا آمده خیابان، انجام تعمیرات دروازه‌ها (شامل حذف لایه‌های رنگ افزوده شده و بازسازی تزئینات برنجی دروازه‌ها) اجرای سنگفرش کف [پلکان‌های محوطه]، تثبیت کاشی‌کاری، تعمیر شیروانی و بازشوی طبقه فوقانی در این زمان صورت گرفت. در این دوره مرمت درها را آقای علیرضا بهرمان، مرمتگر آثار هنری، انجام داد و طرح احیا سنگفرش را آقای مجید کشاورزی تهیه کرد. [۳۴]

از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این دوره می‌توان به حفاری پای درها و زیرگذر عمارت تا تراز کف اصلی، حذف الحاقات و قطعات فرسوده، بازسازی قسمت‌های از میان‌رفته و تحکیم بخشی کلاف درها با استفاده از روش جوش برق

اقدامات مرمتی سال‌های ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ شمسی

در این دوره، مجموعه اقداماتی بر مبنای مطالعات جامع شناخت و درمان بنا به سفارش معاونت فنی وقت سازمان زیباسازی شهرداری تهران توسط موسسه پژوهشی فرهنگ و هنر دانشگاه تهران صورت پذیرفت که عمده مداخلات غیر فنی سابق را به وضعیت اولیه بازگردانده و گزارش حاضر نیز منتج از مطالعات مذکور است. از جمله اقدامات صورت گرفته در این دوره می‌توان به مرمت خرپای چوبی، حذف الحاقات غیر کارشناسی، مرمت جزئیات چوبی از جمله درها و پنجره‌ها، تیرریزی بام و غیره، اصلاح اندودها، مرمت جامع کاشی‌ها از جمله جابه‌جایی قطعات اشتباه، تکمیل بخش‌های کمبود و استحکام‌بخشی کاشی‌های سست و نهایتاً مرمت درهای فلزی سردر اشاره نمود.

عوامل مؤثر بر سیمای کالبدی اثر

شکل ظاهری بنای سردر باغ ملی از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد. نخستین عامل شاید نمایش قدرت و احداث طاق نصرت پس از فتح تهران باشد، چراکه صرفاً ایجاد سردر ورودی با وجود سردر ناصری در کنج شرقی بنا توجیهی ندارد و احتمالاً به همین خاطر است که مرحوم عین‌السلطنه در خاطرات خود پس از بازید از بنا و میدان مشق می‌نویسد: «یک سردر بسیار عالی [مقصود بلند است] که می‌گویند بیست الی بیست و پنج هزار تومان خرج آن شده سمت جنوبی میدان به خیابانی که سابقاً مریم‌خانه و امروز پس از آن که ده ذرع از فضای میدان علاوه آن کردند به خیابان سپه موسوم شده است ساخته‌اند که هیچ بنائی در عالم از این بی‌مصرف‌تر و مهم‌تر یافت نمی‌شود. فقط و فقط برای آن که مجسمه نیم‌تنه (بوست) سردار سپه را وسط آن گذاشته و اشعار زیادی به خط ... و جلی به کتیبه‌های آن در مدح و ثنا و شجاعت و پهلوانی سردار سپه به کاشی‌های ممتاز نوشته و بدان جا نصب کنند»؛ [۳۲]. اما تحولات کالبدی بنا در حین ساخت پرده از عوامل مؤثر دیگری نیز برمی‌دارد. همان‌گونه که در روند تحولات کالبدی گفته شد، قسمت فوقانی دهانه میانی به نقاره‌خانه اختصاص یافته است که مطابق بررسی‌های صورت گرفته، در ابتدای امر قصدی بر ساخت آن نبوده است و به

نظر می‌رسد که پهلوی اول با انتقال نقاره‌خانه به سردر میدان مشق درصدد انتقال مرکزیت قدرت از ارگ حکومتی به میدان مشق بوده است. عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من در این باره می‌نویسد: «علیحضرت پهلوی اول پهلوی هم اول حمله‌ای که به اساس سلطنت قاجاریه وارد آورد، تصرف نقاره‌خانه بود که به‌وسیله انتقال محل آن از سردر ارگ به سردر تازه‌ساز میدان مشق این تصرف را عملی کرد و در حقیقت این علامت سلطنت را از مقر قدیم خود کند و به دسترس خود و تحت امر خویش گذاشت که توجه عامه را نسبت به اقتدار خود بیشتر جلب نماید.» [۳۰]

مسئله دیگر، تأثیرپذیری شکلی از نمونه‌های خارجی و تفاوت با سردرهای دارالخلافه قاجاری است که در عین شباهت نسبی با دروازه‌های اسبق حصار ناصری تهران، بیشترین تأثیر را از نمونه‌های غربی و بالأخص روسی طاق نصرت داشته است. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از شباهت بسیار نزدیک بنای سردر باغ ملی با بنایی موسوم به دروازه سرخ (Red Gate) در روسیه است. این تاق نصرت در اصل به‌عنوان یادبودی برای نبرد پولتاوا (Battle of Poltava) در سال ۱۷۰۹ میلادی که بین پترکبیر و شارل دوازدهم پادشاه سوئد بنیان نهاده شد. کاترین اول در سال ۱۷۴۲ میلادی این بنا را که پس از آتش‌سوزی هشت سال پیش آسیب زیادی دیده بود تجدید بنا کرد. دیوارهای این بنا که نمونه‌ای متأثر از معماری باروک تحول‌یافته [نئوباروک روسی] محسوب می‌شود به رنگ قرمز است و تزئینات برجسته سفیدرنگی روی آن اجرا شده است. سرستون‌های بنا طلایی‌رنگ و پانزده نقاشی از تزارهای روسیه، نشان‌های ولایات روسیه و ... روی دیوارها کشیده بود. دروازه سرخ در نهایت در سال ۱۹۲۶ میلادی [۱۳۰۵ شمسی] با وجود مرمت‌هایی که در همین سال صورت گرفته بود به‌منظور توسعه خیابان گاردن رینگ تخریب شد. [۳۶] در این میان، احتمالاً حضور افسران روس در تشکیلات نظامی قزاقخانه را باید به‌عنوان یکی از عوامل تغییر ساختار شکلی بنا در حین احداث آن دانست. از دیگر تأثیرات معماری روسی در این بنا می‌توان به استفاده گنبد‌های پیازی شکل اشاره کرد؛ بین

ذکر است که در نمونه‌هایی نظیر کاخ شمس‌العماره کلاه‌فرنگی یا بام فانوسی فاقد پنجره بوده و ساختاری شبیه به آلاچیق دارد. در سردر باغ ملی و تعدادی از بناهای مربوط به اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی نظیر ساختمان تلگراف‌خانه، خانه مستوفی، چهل‌ستون قزوین و امثال آن، تمامی سطوح جانبی با پنجره‌هایی پوشیده شده است. باید توجه داشت که شباهت بام‌های دو شیب ایرانی با نمونه‌های اروپایی آن تنها به لحاظ ظاهری بوده و فضای داخلی آن‌ها فاقد عملکرد اتاق و فضای قابل استفاده است.



شکل ۱۱. نمای اندازه‌گذاری شده از سردر باغ



شکل ۱۲. مراحل دروازه اصلی سردر باغ ملی

پوشش برج‌های این بنا با گنبد‌های پیازی شکل روسی برخی از بناهای مذهبی روسیه نظیر کلیسای واسیلی مقدس (واقع در میدان سرخ شهر مسکو) شباهت‌هایی به چشم می‌خورد. از سویی دیگر، نظر به احداث بنا توسط استادکاران و معماران ایرانی، اصول ساختاری و سازه‌ای سنتی نیز در این بنا رعایت شده است. در این نوع از سازه، دهانه میانی نسبت به دو دهانه مجاور بزرگ‌تر بوده و علاوه بر تأثیرگذاری و افزایش ابهت و زیبایی بنا به لحاظ سازه‌ای نیز نقش زیادی در مهار نیروهای رانشی تاق‌ها ایفا می‌کند؛ لازم به ذکر است که این موضوع در معماری سنتی ایران نیز رعایت شده و نمونه‌های زیادی از آن در بناهای مختلف به چشم می‌خورد. بنا بر گفته استاد پیرنیا، «در معماری ایرانی هرگاه چند کوچه تاق پوش در کنار هم جای می‌گیرند دهانه کوچه میانی یا میان‌وار بیش از کوچه‌های دیگر است و از دهانه بروارها یا کوچه‌های دیگر کم‌کم کاسته می‌شود و کوچه کناری که تاق آن روی دیوار پرت (دیواری که پشت آن آزاد است) می‌نشیند کمترین دهانه را دارد تا از رانش تاق کم‌کم کاسته شود و دیوار، پرت را نیاندازد» [۳۷]

چنانچه پیش‌تر اشاره شد این بنا تحت تأثیر معماری باروک و نئوباروک اروپا قرار داشته که جلوه آن در بخشی از تزئینات بنا و پوشش شیروانی اتاق میانی (نقاره‌خانه) سردر باغ ملی قابل مشاهده است. پوشش این قسمت از بنا به صورت بام دو شیب محدب به شیوه فرانسوی است که روی آن یک قبه یا بام فانوسی (برجک نورگیر) یا به عبارتی کفترخوان اجرا شده است. بام دوشیب (مانسارد، بام فرانسوی یا بام کمرشکن) نوعی بام دو شیب چهار طرفه تیزه دار است که شیب پایینی که پنجره‌های شیروانی در آن تعبیه شده نسبت به قسمت بالایی از شیب تندتری برخوردار است. در قسمت فوقانی برخی از نمونه‌های بام‌های دو شیب از ساختارهایی به نام بام فانوسی (بام نورگیر) استفاده شده است. [۳۸]. بام فانوسی به صورت برآمده روی بام اصلی اجرا شده و معمولاً در دیواره پیرامونی آن پنجره یا هواکش‌هایی به منظور تأمین نور و تهویه طبیعی فضا به صورت سرتاسری تعبیه می‌شود؛ [۳۹]. لازم به

متعاقباً مدیران شهری به این اثر بوده‌اند. این مسئله را سر برنارد فیلدن به بهترین شکل ممکن توضیح داده است: «معمولاً هنگام تولد هر ساختمان، تبلیغات رسانه‌ها موجب یک اشتیاق عمومی نسبت به آن می‌شود و البته ارزش هنری آن با گذشت زمان برای نسل بعدی روند نزولی طی می‌کند، سپس با گذشت زمان و کشف مجدد اثر توسط برخی مورخان هنر مجدداً متخصصان اثر را محترم شمرده و برای اثبات ارزش‌های آن مبارزه‌ای را آغاز می‌کنند که اگر ساختمان به بقای خود ادامه دهد، احتمالاً با گذشت سه نسل مجدداً ارزشمند شناخته خواهد شد.» [۴۰]. فیلدن به درستی روندی را تشریح می‌کند که عمده آثار تاریخی از آن تبعیت می‌کنند، از جمله بنای سردر باغ ملی که تغییرات اخیر آن با همین دیدگاه، هدف احیای ارزش‌های ماهوی و نمادین آن به‌عنوان بخشی از منظر شهری را پیگیری می‌کرده است.

موضوع دیگر اینکه اگر این اثر را به‌عنوان نشانه تهران جدید بدانیم، کما اینکه تا پیش از احداث برج آزادی همین نقش را عهده‌دار بوده است، تقدم جریان توسعه بر هویت نمادین آن فاقد معناست. ساخت دو بنای ساختمان بریتیش پترولیوم و ساختمان پست در طرفین این بنا به‌نحوی که موجب برجیدن کتیبه‌های پیرامونی اثر شده و آن را از یک یادمان آزاد به دروازه‌ای محصور بدل کرده است، علاوه بر اینکه کاهش ارزش‌های زیبایی‌شناسانه را در پی داشته است، نشانگر تغییر دیدگاه پهلوی اول و متعاقباً کفیل بلدیة در سال‌های میانی حکومت نسبت به سال‌های نخست قدرت‌گیری است؛ زیرا حذف بخش‌هایی از آنچه به‌عنوان نماد فتح پایتخت توسط پهلوی اول بوده و پیرامون آن را کتیبه‌هایی با مضمون مدح و ثنای وی در برگرفته است، چه معنایی می‌تواند داشته باشد. در این دوره، خود جریان توسعه، نوگرایی و اسباب رفع نیازهای نظام نوپای بوروکراتیک پهلوی اولی، بر نمادها اولویت یافته و به‌نوعی شاهد تغییر شعار به عمل هستیم. تغییر پارک عمومی به فضایی برای کاربری‌های مهم فرهنگی و اداری یک شهر مدرن را نیز باید در راستای همین تغییر سیاست دانست.



شکل ۱۳. اهمیت محاسبات دقیق و فنی در مرمت و بهسازی

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات فوق حاکی از آن هستند که بنای سردر میدان مشق به لحاظ شکلی و کالبدی در حین ساخت دستخوش تغییراتی جدی شده است؛ اثری که به‌عنوان یکی از نمودهای دوران گذار و نوسازی شهر تهران در دوره خویش شناخته می‌شد، حتی از اولین اصول تفکرات نوین که اقدام بر مبنای طرح قبلی را ضروری می‌دانست، تبعیت نکرده است. به نظر می‌رسد که تغییرات حین ساخت بنا محصول تصمیمات خلق‌الساعه شخص سپه‌سالار است که احتمالاً نظرات افسران روسی و عکس‌های کارت‌پستالی بر آن بی‌تأثیر نبوده است. تبعات این مسئله در قالب عدم تقارن جزئی بین برج‌های غربی و شرقی در نقشه‌هایی که به شیوه فتوگرامتری و اسکن با لیزر تهیه شد نیز به چشم می‌آید.

اما گروه دوم تغییرات و اقدامات که در دو دهه اخیر صورت گرفته‌اند، بر اساس جلب توجهات معماران، شهرسازان و

تشکر و قدردانی: از همه همکارانی که در تهیه طرح مرمت و احیای سردر باغ ملی مشارکت داشته‌اند، آقای مهندس داود دانشیان (کارشناس ارشد معماری)، خانم‌ها ندا مضافیان و مهشید مؤتمنی راد (کارشناس ارشد مرمت)، طه محمدرضایی (کارشناس مرمت)، روح‌الله عبادی همت و صالح ایمانی (کارشناس ارشد مرمت آثار) و دیگر بزرگواران قدردانی می‌شود.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.
تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.
سهم نویسندگان: یاسر جعفری مورکابی، پژوهشگر و نگارنده مقاله (۳۳٪)، سعید محمودکلاویه، پژوهشگر و نگارنده مقاله (۳۳٪)، محمد غلام نژاد، پژوهشگر و نگارنده مقاله (33%)
منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

تغییرات کالبدی بنا پس از دوران پهلوی اولی را باید در دو گروه دسته‌بندی کرد؛ نخست از اواخر دوره پهلوی اول تا اوایل دوره پیروزی جمهوری اسلامی و دوم دهه‌های اخیر. اقدامات و تغییراتی که در دوره نخست صورت گرفته‌اند، عمدتاً به‌صورت رفع تکلیف و یا در نهایت بهره‌مندی از فضای داخلی بنا بوده و هیچ اهمیتی برای جنبه‌های نمادین اثر و ارزش‌های آن قائل نبوده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به جابجایی کاشی‌کاری‌ها و ناخوانا ساختن آن در همین دوره، افزودن راه‌پله جدید و پنهان کردن پله‌های اصیل، پوشاندن قسمت‌هایی از فضای داخلی برج شمالی در ضلع غربی، تغییر ارتفاع در نمای جنوبی ضلع شرقی و مواردی از این‌دست اشاره داشت. در نهایت با ابتکار عمل سازمان زیباسازی شهر تهران و شهرداری تهران این بنا با کیفیت قابل قبولی مرمت شد تا به نسل‌های آینده انتقال یابد.



شکل ۱۴. چشم انداز کلی از سردر باغ ملی که زیبایی‌های منحصر به فرد آن را در تلفیق معماری سنتی ایرانی و معماری مدرن نشان می‌دهد.

- <http://journal.richt.ir/kcr/article-1-35-en.html>
7. Mahdavinejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977–2017). *Journal of Architecture and Urbanism*. 2019 Feb 1;43(1):71. <https://doi.org/10.3846/jau.2019.5209>
 8. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9. <https://doi.org/10.1002/ad.1406>
 9. Mirgholami M, Toghrayi A, Ghazipour S. Neoliberalization Process in Contemporary City: A Theoretical Model. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Dec 10;7(3):35-47. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.3.6.5>
 10. Farahbakhsh, M, Hanachi P. Analyzing the effect of railway as industrial heritage in Iran. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va Shahrzazi*. 2016; 20(4):33-44. [Persian] https://jfaup.ut.ac.ir/article_59668.html?lang=en
 11. Moulaii M, Shahhoseini G, Dabaghchi S. Explaining and analyzing how to make smart cities in the context of the influencing components and key factors. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2016 Nov 10;6(3):75-93. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.3.3.2>
 12. Lotfi S, Sholeh M. Assessing the Old Buildings Reclaimability into the New Life Cycle Implementing Adaptive Reuse Potential (ARP) Model. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Dec 10;7(3):15-34. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.3.1.0>
 13. Samadzadehyazdi S, Ansari M, Mahdavinejad M, Bemaninan M. Significance of authenticity: learning from best practice of adaptive reuse in the industrial heritage of Iran. *International Journal of Architectural Heritage*. 2020 Mar 15;14(3):329-44. <https://doi.org/10.1080/15583058.2018.1542466>
 1. Donboli S, Kalantari Khalilabad H, Aghasafari A. Recognition of Urbanscape Identity Components in Iranian Islamic Cities - The case of Tehran. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2019 Mar 10;8(4):223-230. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.7.8.4.3.1>
 2. Maroofi S, Taghvaei A, Pourjafar M. Evaluation of the Effects of Religious Spaces on Citizens' Behaviors with Particular Reference to the Selected Tehran Mosques. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2019 Mar 10;8(4):205-211. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.7.8.4.1.9>
 3. Jaliladradabad S, Shieh E, Behzadfar M. Identification of the Effective Factors on Socio-spatial Segregation; A Case Study of Fadak and Kerman Neighborhoods Located in District 8, Tehran. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2018 Jun 10;8(1):17-23. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.7.8.1.2.4>
 4. Kamyar M, Taghvaei A A, Khazaei R. Unstable Condition of Housing in Tehran: Disruption or Dynamism. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Apr 10;7(1):13-20. [Persian] [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.1.1.6>
 5. Hanachi P, Mollazadeh F, FadaeiNezhadBahramjerdi S. Developing the conceptual framework of value-based management in cultural and historical places; (Looking at the Islamic Culture). *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Dec 10;7(3):1-14. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.3.4.3>
 6. Hanachi P, Taymourtash S. Adaptive reuse of industrial heritage, A model for creating new opportunities in cities. *DANESH-e-HEFAZAT va MAREMMAT*. 2017 Oct 10;1(2):21-33. [Persian] Available from:

- Healthy Urban Planning: Interaction of Modern Chemistry and Green Material-based Computation. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 May 10;11(1):94-105. [Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.140.0.11.1.7.0>
22. Saadatjoo P, Mahdavinejad M, Zhang G, Vali K. Influence of permeability ratio on wind-driven ventilation and cooling load of mid-rise buildings. *Sustainable Cities and Society*. 2021 Jul 1;70:102894.
<https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.102894>
23. Talaei M, Mahdavinejad M, Azari R, Prieto A, Sangin H. Multi-objective optimization of building-integrated microalgae photobioreactors for energy and daylighting performance. *Journal of Building Engineering*. 2021 Jun 5:102832.
<https://doi.org/10.1016/j.job.2021.102832>
24. Mahdavinejad M. Designerly Approach to Energy Efficiency in High-Performance Architecture Theory. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 Sep 10;10(2):75-83. [Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.9.10.2.7.5>
25. Sadeghniat K, PourYaghoob GR, Saberi HR, Hanachi P. Prevalence of sick building syndrome (SBS) in employees of Ministry of Housing and Urban Development, summer 2002. *KAUMS Journal (FEYZ)*. 2004 Jul 10;8(2):1-6. [Persian] Available from: <http://feyz.kaums.ac.ir/article-1-189-en.html>
26. Ramirez CM, Liel AB, Mitrani Reiser J, Haselton CB, Spear AD, Steiner J, Deierlein GG, Miranda E. Expected earthquake damage and repair costs in reinforced concrete frame buildings. *Earthquake Engineering & Structural Dynamics*. 2012 Sep;41(11):1455-75.
<https://doi.org/10.1002/eqe.2216>
27. Motamedi M. Historical Geography of Tehran. Tehran: University Publication Center. 2002.
28. Rangchian, A. Silence, Stillness and Motion in MashghSquare. *Journal of Applied Arts*. 2014;03(4):59-71. [Persian]
<https://doi.org/10.22075/aaj.2014.380>
14. Iranishad A, Habib F. Reconnection to Context: Place-based Contemporization and Reuse of Tehran Valuable Houses. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021;11(2):1-26. [Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.140.0.11.2.1.6>
15. Pourzargar M, Abedini H. Explaining the Components of Contemporization and Quality Improvement of Emamzadeh Saleh's (AS) Adjacent Texture. *Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 May 10;10(1):63-74. [Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.9.10.1.7.3>
16. Habib, F., Etesam, I., Ghoddusifar, S. Formation and Features of Tehran Urban Parks during the Reign of First Pahlavi Period, Case Study: Tehran National Garden (Baq-EMelli). *Armanshahr Architecture & Urban Development*. 2014 Mar 1;6(11):61-73. [Persian] Available from: http://www.armanshahrjournal.com/article_33465.html?lang=en
17. Lahmar R, Bationo BA, Lamso ND, Guéro Y, Tittonell P. Tailoring conservation agriculture technologies to West Africa semi-arid zones: building on traditional local practices for soil restoration. *Field crops research*. 2012 Jun 14;132:158-67.
<https://doi.org/10.1016/j.fcr.2011.09.013>
18. Eslamirad N, Kolbadinejad SM, Mahdavinejad M, Mehranrad M. Thermal comfort prediction by applying supervised machine learning in green sidewalks of Tehran. *Smart and Sustainable Built Environment*. 2020 Apr 28; 9(4):361-374.
<https://doi.org/10.1108/SASBE-03-2019-0028>
19. Kasraei MH, Nourian Y, Mahdavinejad M. Garih for domes: analysis of three Iranian domes. *Nexus Network Journal*. 2016 Apr 1;18(1):311-21.
<https://doi.org/10.1007/s00004-015-0282-4>
20. Heidari F, Mahdavinejad M, Werner LC, Roohabadi M, Sarmadi H. Biocomputational Architecture Based on Particle Physics. *Front. Energy Res*. 2021 July 08;9:620127.
<https://doi.org/10.3389/fenrg.2021.620127>
21. Rasoolzadeh M, Moshari M. Prioritizing for

29. Shamim A. Iran during the Qajar dynasty. Tehran: Modabber Press. 2014.
30. Mostofi A. Description of my life. Tehran. Zovvar Press. (Vol 1). 1950.
31. Gruber C. Architectural Dynamics in Pre-revolutionary Iran: Dialogic Encounter Between Tradition and Modernity. Intellect Books; 2019 Oct 15.
32. Mozaffari A, Westbrook N. The Politics of Contextual Specificity and Global Architectural Trends. Myth, Nature, Heritage. 2012:792-811. Available from: <http://hdl.handle.net/20.500.11937/49226>
33. Cabinet of Ministers of the Government of the Islamic Republic of Iran. Allocation of 2.5 million Rials for maintenance and repair of the old gate of the BAGH E MELLI [Internet]. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly of Iran; 1980. [cited 2016 August 10th]. Available from: <http://rc.majlis.ir>.
34. Mokhtari E, Behrouz S. Sardar E Bagh E Melli. Tehran: Iran cultural studies Press. 2009.
35. Bahreman A. The restoration of the Doors of Sardar E Bagh E Melli. Research Journal-articles Collection of the Cultural Heritage of Tehran Province Administration. Tehran: Research institute of Cultural Heritage. 2001:9-46.
36. Ilyin, M. Moscow, Monuments of Architecture; 18th - The First Third of The 19th Century. Moscow: Iskusstvo Press. 1975: 19.
37. Pirnia M. Introduction to Islamic architecture in Iran. Tehran: Soroush Danesh. 2005.
38. Ching F. *A Visual Dictionary of Architecture*. Colorado: John Wiley & Sons. (Vol. 2). 2012.
39. Mittendorf J, Dodson D. The Art of Reading Buildings. Oklamaha: pennwell. 2015.
40. Feilden B. Conservation of Historic Buildings. Oxford: Architectural Press. 2003.